

وخامت روابط
آمریکا - چین - ژاپن

مسئله تایوان از دهه ۱۹۷۰ محور اصلی فراژونشیپ روابط سه‌جانبه آمریکا-چین-ژاپن بوده است. در روند عادی‌سازی روابط، پرشس کلیدی این بود که آمریکا و ژاپن چه نوع رابطه‌ای با جمهوری چین (ROC) پس از قطع روابط رسمی خواهند داشت، نتیجه مذاکرات پنهان، پذیرش جمهوری خلق چین (PRC) به‌عنوان تنها دولت قانونی چین بود. این سازش مبهم، به‌رغم مناقشاتی مانند قانون روابط با تایوان و فروش تسلیحات، اساس «دوران طلایی» این روابط را تا اواسط دهه ۱۹۹۰ شکل داد. دموکراتیزه‌شدن تایوان و انتخابات ۱۹۹۶ هویت تایوانی را تقویت و حمایت تازه‌ای در کنگره آمریکا ایجاد کرد. هرچند رؤسای جمهور آمریکا به «چین واحد» پایبند ماندند، اما روابط آمریکا و ژاپن با تایوان تقویت شد. با آغاز دولت ترامپ در ۲۰۱۷، سیاست آمریکا نسبت به چین کاملاً تقابلی شد و این تقابل در دوره دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ۲۰۲۵ به اوج رسید. موضع چین این است که فقط یک چین وجود دارد و تایوان بخشی از آن است؛ بنابراین کشورهایی که با پکن رابطه دارند نباید با تایوان رابطه رسمی داشته باشند. آمریکا به‌دلائل راهبردی، از جمله جنگ ویتنام و رقابت با شوروی، به‌تدریج «سیاست چین واحد» را پذیرفت و در بیانیه‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۹ آن را رسمی کرد. ژاپن نیز تحت تأثیر «شوکنیکسون» حتی فراتر رفت و «درک و احترام کامل» خود را نسبت به اصل چین واحد اعلام کرد. قطعنامه ۲۷۵۸ سازمان ملل نیز این تغییر را تثبیت کرد. این اجماع به زیان تایوان بود. چیانگ کای شک، رهبر جمهوری چین از قوی‌ترین حامیان مفهوم «چین واحد» بود، اما از موضعی مخالف استدلال جمهوری خلق چین. او معتقد بود که فقط «چین واحد» در جهان وجود دارد و جمهوری چین در تایوان، نه جمهوری خلق چین در پکن، تنها دولت مشروع نماینده آن است. جانشین او، چیانگ چینگ کونیز همین رویکرد را دنبال کرد. پس از آن که پکن رویکرد مسالمت‌آمیز و «یک کشور، دو نظام» را مطرح کرد، روابط در اوایل دهه ۱۹۹۰ و با «اجماع ۱۹۹۲» بهبود یافت، هرچند تفسیر طرفین از آن متفاوت بود. روابط در دوره لی تنگ‌هویی و چن شویی‌بیان، رؤسای جمهور تایوان بدتر شد، در دوره مایینگ جنوبی بهبود یافت و در ۲۰۱۵ به اوج رسید. پس از روی کار آمدن تسای اینگ‌ون و سپس لای چینگ ته، که اجماع ۱۹۹۲ را انپذیرفتند، روابط دوباره تیره شد و چین فشار نظامی، دیپلماتیک و تمرینات نظامی را تشدید کرد. در حالی که روابط دو سوی تنگه متوقف شده بود، روابط تایوان با آمریکا و ژاپن به‌طور قابل توجهی پیشرفت کرد. سفرهای مقامات بلندپایه مانند سفر ۱۹۹۵ لی تن‌هویی و سفر نانسی پلوسی در ۲۰۲۲ به تایوان بحران آفرین شد. ژاپن نیز اکنون دیدارهایی را می‌پذیرد که در گذشته غیرممکن بود. فروش تسلیحات آمریکا و همکاری امنیتی سه‌جانبه افزایش یافته است. اظهارات رسمی آمریکا و بحث‌های سیاسی در ژاپن و اروپا بیانگر فاصله‌گرفتن تدریجی از «اجماع چین واحد» است. مجموعه این تحولات نشان‌دهنده فرسایش عمیق مبانی اجماع اولیه است. از دیدگاه چین، مسئله تایوان «هسته منافع حیاتی» این کشور محسوب می‌شود و اتحاد نهایی چین با تایوان روندی تاریخی و برگشت‌ناپذیر است که دیر یا زود محقق خواهد شد. با این حال، واقعیت کنونی روندی بسیار پیچیده‌تر و دشوارتر و شاید حتی خلاف این تصور را نشان می‌دهد: روندی که تحقق رؤیای دیرینه چین درباره «اتحاد ملی» و «احیای بزرگ» را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است. به‌وضوح پیداست که حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مسئله تایوان وابسته به بهبود مستمر شرایط داخلی و خارجی است. در داخل، روابط دو سوی تنگه از نظر اقتصادی و فرهنگی به‌طور چشمگیری رشد کرده، اما در بُعد سیاسی در بن‌بست قرار دارد. اختلاف دیدگاه‌ها درباره «اجماع ۱۹۹۲»، هم میان چین و تایوان و هم میان احزاب حاکم و مخالف در تایوان، محدودیت‌های نظری و عملی مفهوم «چین واحد» را آشکار کرده است. در عرصه خارجی، «اجماع چین واحد» میان چین، آمریکا و ژاپن طی چند دهه محیطی نسبتاً مساعد برای مدیریت مسئله تایوان فراهم کرد، اما وخامت بی‌سابقه روابط سه‌جانبه نشان می‌دهد که این اجماع دیگر در وضعیت مطلوبی نیست و شاید حتی کاملاً تهی شده باشد. دلیل بنیادی این وضعیت آن است که آمریکا و ژاپن چه در دهه ۱۹۷۰ و چه امروز، هرگز با جذب تایوان توسط جمهوری خلق چین موافقت نخواهند کرد، مگر اینکه سیاست‌هایی وجود داشته باشد که مردم تایوان را قانع کرده و هم‌زمان به آنها اطمینان امنیتی بدهد. همه اظهارات و بیانیه‌های رسمی از آن زمان تاکنون، چه به‌صورت روشن و چه مبهم، بازتاب همین واقعیت بوده است. افزون بر این، در سال‌های اخیر با افزایش تلقی تهدیدآمیز بون چین در واشنگتن، توکیو و تایپه، واکنش‌ها سخت‌تر شده است.



دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در دیدار اخیرش با احمدالشرع، رئیس دولت انتقالی سوریه، از دمشق خواست تا به ائتلاف آمریکا در مبارزه با داعش بپیوندد. ورود سوریه به ائتلاف ضدداعش به رهبری ایالات متحده، ممکن است موجب شود دمشق سرمایه خارجی بیشتری کسب کرده و روند بازسازی سوریه را تقویت کند و از فشارهای غرب بر سوریه بکاهد اما در عین حال نزدیکی سوریه به غرب، خطر نارضایتی و عصبانیت تندروها در دولت انتقالی سوریه را به همراه خواهد داشت و در نهایت در صورت برآورده نشدن انتظارات عمومی، می‌تواند به احیای داعش کمک کند. در تاریخ ۱۰ تا ۱۲ نوامبر، احمد الشرع، رئیس‌جمهور موقت سوریه، اولین سفر رسمی خود را به واشنگتن انجام داد و در کاخ سفید با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده و مقامات ارشد امنیت ملی دیدار کرد. در طول این سفر، دو طرف اعلام کردند سوریه به ائتلاف جهانی به رهبری ایالات متحده برای شکست داعش خواهد پیوست و این اولین توافق همکاری امنیتی رسمی بین دمشق و واشنگتن از زمان ظهور این گروه تروریستی در جریان جنگ داخلی سوریه در اوایل دهه ۲۰۱۰ بود. این اعلامیه شامل برنامه‌هایی برای یک مکانیسم هماهنگی مشترک با تمرکز بر اشتراک‌گذاری اطلاعات و عملیات علیه هسته‌های داعش در صحرای سوریه و در امتداد دره فرات بود. مقامات آمریکایی همچنین اظهار داشتند که به عنوان بخشی از این توافق، معافیت‌های محدود بشردوستانه و تعلیق زودهنگام برای برخی تحریم‌ها اعمال خواهد شد. در نهایت، وزارت امور خارجه ایالات متحده تعلیق ۱۸۰ روزه دیگری از اکثر تحریم‌های قانون قیصر علیه سوریه اعلام کرد «تا فرصتی برای مردم سوریه برای صلح و رفاه پایدار فراهم شود»، و در عین حال خواستار «اقدامات ملموس دولت سوریه برای عبور از گذشته و تلاش برای صلح در منطقه» شد. با این حال، خطرات برای ثبات سوریه همچنان ادامه دارد؛ همانطور که اخیراً در ۱۴ نوامبر مشخص شد که مهاجمان ناشناس دو موشک کاتیوشا را از حومه دمشق به سمت پایتخت شلیک کردند. یکی از موشک‌ها به محله المزه در غرب دمشق (که عمدتاً محل سکونت اقلیت علوی است، احتمالاً نشان می‌دهد که یک گروه سنی پشت این حمله بوده است) برخورد کرد، در حالی که موشک دیگر به جاده منتهی به کاخ ریاست‌جمهوری برخورد کرد.

ائتلاف جهانی به رهبری ایالات متحده برای شکست دادن داعش، یک اتحاد بین‌المللی متشکل از ۹۰ کشور و سازمان است که عملیات نظامی و اطلاعاتی را برای از بین بردن شبکه‌های داعش و جلوگیری از ظهور مجدد آنها در عراق و سوریه هماهنگ می‌کند. پیش از سفر الشرع به واشنگتن، نیروهای امنیتی سوریه ده‌ها نفر از عوامل داعش را دستگیر و چندین توطئه حمله را در یک عملیات امنیتی سراسری خنثی کردند.

قانون حفاظت از غیرنظامیان سوریه به نام قیصر، قانونی در ایالات متحده است که تحریم‌های گسترده‌ای را علیه رژیم سابق سوریه به رهبری رئیس‌جمهور بشار اسد، دستگاه امنیتی آن اعمال کرده و از طریق تحریم‌های ثانویه، هر شخص یا نهاده‌ای که به آنها کمک می‌کرد را تحریم می‌کند. اقدام ایالات متحده برای لغو این تحریم‌ها، که ناشی از تعامل مجدد دیپلماتیک و گام‌هایی در جهت عادی‌سازی روابط با مقامات جدید سوریه است، می‌تواند فرصت‌های سرمایه‌گذاری و بازسازی عمده‌ای را برای این کشور جنگ‌زده فراهم کند. با این حال، سایر تحریم‌های ایالات متحده علیه سوریه، به‌ویژه تحریم‌های مربوط به معاملات با ایران و روسیه و همچنین تحریم‌های مربوط به کالاهای حساس نظامی و فناوری، همچنان پابرجاست. سفر الشرع به واشنگتن و نتایج آن با تلاش مداوم او برای تسریع یکپارچگی در سوریه و تضمین لغو تحریم‌های بین‌المللی باقی‌مانده که همچنان مانع بهبود وضعیت اقتصادی این کشور می‌شوند، همسو است. سال گذشته شاهد بوده‌ایم که سوریه از ستون محور مقاومت ایران به تدریج به شریک منطقه‌ای ایالات متحده تبدیل شده است. از زمان فروپاشی حکومت اسد در دسامبر ۲۰۲۴، ایالات متحده با برقراری مجدد روابط دیپلماتیک و حمایت از تلاش‌های دولت موقت برای مبارزه با داعش، از تلاش‌ها برای ثبات و اتحاد سوریه حمایت کرده است. واشنگتن همچنین برخی از تحریم‌ها را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی مورد نیاز برای بازسازی سوریه لغو کرده است. این امر به شرکای منطقه‌ای مانند قطر، عربستان سعودی و ترکیه اجازه داده است تا کمک‌های مالی، فنی و مادی را با هدف تقویت مشروعیت داخلی دولت الشرع و بهبود ارائه خدمات عمومی ارائه دهند. با این حال، بسیاری از شرکت‌های خصوصی به دلیل خطرات قانونی و مالی باقی‌مانده، به‌ویژه از زمان باقی ماندن قانون قیصر، در مشارکت در اقتصاد سوریه مردد بوده‌اند. علاوه بر این، ایالات متحده به میانجیگری تلاش‌های دیپلماتیک بین سوریه و بازیگران مختلف بین‌المللی و محلی، از جمله اسرائیل، ترکیه و نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) تحت حمایت آمریکا که رهبری مبارزه با داعش را بر عهده داشته‌اند، کمک کرده است. با این حال، نیروهای دموکراتیک سوریه همچنان در برابر

تحلیل
اندیشکدهNEWLINES
INSTITUTE
FOR STRATEGY AND POLICY

**ائتلاف جهانی
به رهبری ایالات
متحده برای
شکست دادن
داعش، یک اتحاد
بین‌المللی متشکل
از ۹۰ کشور و
سازمان است که
عملیات نظامی و
اطلاعاتی را برای از
بین بردن شبکه‌های
داعش و جلوگیری
از ظهور مجدد آنها
در عراق و سوریه
هماهنگ می‌کند.
پیش از سفر الشرع
به واشنگتن،
نیروهای امنیتی
سوریه ده‌ها نفر از
عوامل داعش را
دستگیر و چندین
توطئه حمله را در
یک عملیات امنیتی
سراسری خنثی
کردند**

ادغام در دولت سوریه مقاومت می‌کند و خودمختاری را در اولویت قرار داده و به دلیل خشونت‌های گذشته نیروهای دولتی و شبه‌نظامیان علیه اقلیت‌ها، از جمله دروزی‌ها در جریان یک درگیری کوتاه در ماه ژوئن، و علیه علوی‌ها در ماه‌های قبل، به دولت الشرع بی‌اعتماد است. در ۱۷ نوامبر، عربستان سعودی اولین بخش از کمک‌های مالی نفت خام خود را به سوریه تحویل داد و یک تانکر حامل تقریباً ۶۵۰،۰۰۰ بشکه نفت در بندر بانیا س پهلو گرفت. این محموله بخش اولیه از کمک مالی ۱/۶۵ میلیون بشکه‌ای است که در ۱۱ سپتامبر بین صندوق توسعه عربستان سعودی و وزارت انرژی سوریه با هدف احیای پالایشگاه‌های سوریه امضا شد. در ۲۴ ژوئیه، عربستان سعودی از قراردادهای سرمایه‌گذاری به ارزش ۶/۴ میلیارد دلار با سوریه، از جمله ۲/۹۳ میلیارد دلار اختصاص داده شده برای املاک و مستغلات و زیرساخت‌ها و حدود ۱/۰۷ میلیارد دلار برای بخش‌های مخابرات و فناوری اطلاعات، به عنوان بخشی از توافقی نامه‌های امضا شده توسط ۴۷ شرکت سعودی در یک مجمع سرمایه‌گذاری دمشق خبر داد. در آن زمان، الشرع اظهار داشت که «بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها با حمایت عربستان سعودی در حال نهایی شدن هستند» زیرا پادشاهی عربستان سعودی مشارکت اقتصادی خود را در بهبود اوضاع پس از جنگ سوریه عمیق‌تر می‌کند؛ که نشان‌دهنده تسریع در تعامل مجدد ریاض است. از زمان فروپاشی رژیم اسد، اسرائیل - که نیروهایش اکنون بخشی از جنوب سوریه را اشغال کرده‌اند - به‌رغم مذاکرات در مورد توافق امنیتی در مرزهای مشترکشان، بارها به مواضع ارتش و دولت سوریه حمله هوایی کرده است. این حملات در طول درگیری ژوئن در استان جنوبی سویدا تشدید شد که طی آن اسرائیل در دفاع از دروزی‌ها و به عنوان پیامی به دولت انتقالی سوریه علیه استقرار نیروهای امنیتی در استان‌های جنوبی، به وزارت دفاع سوریه و مجاورت کاخ ریاست‌جمهوری حمله کرد. تصمیم ایالات متحده برای تعلیق موقت

ریسک

پیوستن سوریه به ائتلاف نظامی آمریکا علیه داعش

تحریم‌های قانون قیصر، اعتماد بین‌المللی به مسیر سوریه به سمت لغو کامل تحریم‌ها را تقویت می‌کند و در را برای تأمین مالی محدود بازسازی و سرمایه‌گذاری کشورهای حاشیه خلیج فارس باز می‌کند؛ اگرچه این روند کند خواهد بود و با چالش‌های بی‌شماری روبه‌رو خواهد بود. تعلیق قانون قیصر به ایالات متحده زمان می‌دهد تا قبل از تکمیل لغو کامل تحریم - که نیاز به تأیید کنگره دارد - میزان پایبندی سوریه به این قانون را ارزیابی کند؛ به‌خصوص که هنوز قانونگذاران آمریکایی نگران پیوندهای سابق الشرع و متحدانش با القاعده هستند. پیوستن سوریه به ائتلاف ضدداعش به رهبری ایالات متحده و عملیات سرکوب اخیر آن علیه هسته‌های داعش، به جلب اعتماد ایالات متحده و کشورهای اروپایی نیز کمک خواهد کرد و آنها را به ادامه لغو تحریم‌ها تشویق می‌کند. برای این منظور، تعلیق قانون قیصر، سرمایه‌گذاری بیشتر در سوریه را تشویق می‌کند؛ به‌ویژه از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند امارات متحده عربی و عربستان سعودی، که به دلیل باقی ماندن برخی از تحریم‌های ایالات متحده به‌رغم معافیت‌ها، در نهایی کردن سرمایه‌گذاری‌ها و تأمین مالی بزرگ تردید داشته‌اند. اما در حالی که این هجوم سرمایه، روند بهبود اقتصادی سوریه را تسریع می‌کند، این روند به دلیل چالش‌های متعدد پس از جنگ داخلی تقریباً ۱۴ ساله، کند خواهد ماند. این چالش‌ها شامل میزان تخریب فیزیکی در کشور، تخریب صنایع کلیدی مانند کشاورزی و تولید، فروپاشی سیستم مالی رسمی و خطر مداوم خشونت‌های قابل توجه مجدد است.

هیئت‌ی از صندوق بین‌المللی پول از ۱۰ تا ۱۳ نوامبر از دمشق بازدید کردند و به این نتیجه رسیدند که اقتصاد سوریه «نشانه‌های اولیه بهبود» و چشم‌اندازهای بهبودیافته را بروز می‌دهد و به افزایش تمایل سرمایه‌گذاران، ادغام تدریجی در بازارهای منطقه‌ای و جهانی و بازگشت

